با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

کنار گذاشتن دستورالعمل‌های بهداشتی دستور ستاد کروناست؟
بیش از نیمی از مردم ماسک را کنار گذاشته‌اند، مصافحه می‌کنند و دست می‌دهند. مراسم عزا و عروسی باجمعیت زیادی برگزار و مسافرت‌ها انجام می‌شود. آیا اینها دستورات ستاد کروناست؟ آیا پاندمی به پایان رسیده است؟ اگر چنین است اعلام عمومی کنند تا آنهایی که مانند ما همچنان سفت وسخت دستورات را رعایت می‌کنند تکلیف خود را بدانند.

سدحبیبی از تهران

ساعت تعطیلی متروی اصفهان تغییر کند
با تشکر از زحمتکشان و کارکنان مترو، ساعت ۲۱ (۹ شب) زمان پایان کار مترو و پذیرش مسافر در قطار راه‌آهن شهری زیرزمینی اصفهان است، یعنی درست همان وقتی که مردم بعد از خرید یا گردش و تفریح و دید و بازدیدها و یا تعطیلی مغازه‌هایشان شب هنگام می‌خواهند به منزل خود برگردند، آیا نمی‌شود این ساعت کار مترو را به حداقل یک‌ساعتی دیرتر تغییر داد.

محمود بلیغیان از اصفهان

صرفه‌جویی با تغییر ساعت کار ادارات تهران میسر نمی‌شود
در خبرها خواندم که قرار است ساعت کار ادارات در تهران را به ۶ و ۳۰دقیقه بامداد تغییر دهند. این تغییر درصورت عملی شدن یعنی کارمند باید حداقل ساعت ۵ صبح از خواب برخیزد و به‌احتمال زیاد بدون خوردن صبحانه از خانه خارج شود. درحالی‌که هر روز در دنیا ساعات اشتغال و شرایط کاری کارگران و کارمندان را تسهیل می‌کنند. این چه تصمیمات عجیب و خلق‌الساعه‌ای است که می‌گیرند و بهانه آن نیز صرفه‌جویی در برق و آب و غیره است. راه صرفه‌جویی از اینجا نمی‌گذرد و پیشنهاد می‌شود حتماً موضوع تغییر ساعت کار ادارات با متخصصان روانشناسی صنعتی و کار بررسی شود تا سلامت جامعه در آن منظور شده باشد.

مؤمن‌پور از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

فروشگاه‌های زنجیره‌ای در مقابل اعتراض و گلایه گردنکشی می‌کنند
درخصوص پنیر خامه‌ای ۲۰۰گرمی که وزنش براساس ترازوی مرجع خود فروشگاه ۱۸۶ گرم است به مسئولان فروشگاه گلایه کردم که چرا این پنیر که وزنش هم کم شده را گران‌تر می‌دهند. گفتند هر جا دلت خواست شکایت کن! این به‌معنای بی‌اهمیت دانستن تذکرات و جریمه‌های تعزیرات است درحالی‌که در اغلب نقاط دنیا در مقابل چنین اعتراضی حتی ممکن است یک فروشگاه بزرگ تا ۲ هفته تعطیل و جریمه سنگین بشود، موضوعی که خودم به چشم در یکی از کشورهای اروپایی دیدم.

صدقی از تهران

مبارزه با گرانفروشی از حالت شعاری خارج شود
مبارزه با گرانفروشی و کم‌فروشی یک جهادبزرگ اقتصادی است که هم هموطنان ما را در رفاه و امنیت قرار می‌دهد و هم تمرکز مسئولان را روی مسائل اصلی کشور جمع می‌کند و نقشه‌های معاندان و بدخواهان این حکومت و نظام اسلامی را نقش بر آب می‌کند. برای همین باید آن را از حالت شعار، اعمال جرائم ساده و گذر کردن از کنار متخلف با تذکر و غیره درآورد و به‌طور جدی با متخلفان برخورد کرد. کسی که به اقتصاد و معیشت مردم لطمه می‌زند در واقع تیشه به ریشه کشور خواهد زد و نباید اجازه دهیم کسی فرصت این کارها را بیابد که جز با نظارت و اجرای دقیق و خروج از حالت شعاری ممکن نیست.

نوحی از تهران

سلام فرمانده اثری ماندگار است و زمزمه نسل‌ها
سرود مذهبی «سلام فرمانده» از آثار ماندگاری است که همیشه بر دل خواهد نشست و نسل‌های متمادی آن را زمزمه خواهند کرد. جا دارد تشکر ویژه‌ای از همه عوامل تهیه و اجرای این سرود در این وسعت داشته باشیم که با این ابزار، جایگاه بی‌بدیل و متعالی امامت و ولایت را جهادگونه تبیین می‌کنند.

فاطمی از تهران

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

شکایات پزشکی بی‌جواب می‌مانند
حدود یکسال و نیم است که از بیمارستان بابت قصور و سهل‌انگاری به دادگاه، دادسرا و کلانتری شکایت کردیم. متأسفانه در این یک‌سال ونیم، به بهانه‌های مختلف و واهی مثل نداشتن قاضی وغیره ما را سردوانده‌اند. به کجا شکایت ببریم که حداقل خسارت مالی وارده را بگیریم. چقدر زمان انتظار برای یک شکایت درنظر گرفته‌اند؟

یک شهروند از فاز یک شهراندیشه شهریار

مفسران ورزشی کارآمد، مسابقات را بررسی کنند
درخصوص قهرمانی تیمی مثل استقلال، یک مفسر یا یک تحلیل‌گر منطقی نباید به‌صورت نگرش بی‌زمانی تحلیل و تفسیر کند و فقط نتیجه را ببینند بلکه باید بگوید چه اتفاقاتی افتاد تا این تیم اول بشود و مشخص شود چه عوامل و کسانی بیشترین تأثیر را داشتند. اینکه صرفا نتایج روز آخر به‌عنوان تفسیر مطرح شود کاری غیرحرفه‌ای است.

قاسم‌زاده از شمیران

چرا برای پرداخت حقوق بازنشستگان دولت باید مصوبه بدهد؟
بازنشستگان در واقع پس‌انداز روزهای اشتغال و جوانی خود را که به سازمان تامین اجتماعی سپرده‌اند تا با آن تجارت و کسب سود کند، به‌عنوان حقوق ماهانه دریافت می‌کنند. در واقع این سازمان متعلق به بازنشستگان و سرمایه‌گذارانش است نه دولت و نه هیچ نهادی دیگر. حالا چرا این سازمان که کلی هم از دولت طلب دارد برای افزایش حقوق باید در انتظار اجرای مصوبه دولت بماند. یعنی برای اینکه پول خودمان را به‌خودمان بدهد باید کسب تکلیف کند؟

محمودی از کرج

رئیس قوه قضاییه دستور ویژه‌ای برای رسیدگی به پرونده متروپل صادر کرد

قربانیان متروپل ۴۱ نفر شدند

پیگیری

ادامه آواربرداری در ویرانه‌های متروپل به کشف چند پیکر دیگر منجر شد تا شمار قربانیان این حادثه به ۴۱نفر افزایش پیدا کند. این در حالی است که رئیس قوه قضاییه نیز دستور ویژه‌ای برای انجام تحقیقات و رسیدگی به این پرونده صادر کرده است.
به گزارش همشهری، عملیات جست‌وجو و آواربرداری در متروپل بی‌وقفه ادامه دارد و تیم‌های امدادی با سرعت بیشتری به‌دنبال یافتن پیکر افراد مفقود شده هستند. در همین حال آخرین تلاش‌ها به کشف ۳پیکر دیگر منجر شده است. احسان عباسپور، فرماندار آبادان در این‌باره گفت: با کشف ۳پیکر دیگر زیر آوارهای متروپل تاکنون پیکرهای ۴۱ نفر از جانباختگان از محل حادثه متروپل خارج شده است و امیدواریم آمار جانباختگان افزایش نیابد اما جست‌وجو برای خارج‌سازی دیگر پیکرهای احتمالی از زیر آوار همچنان ادامه دارد.

دستور ویژه

از سوی دیگر رئیس دستگاه قضا در شورای‌عالی قوه قضاییه، دستوراتی را در راستای رسیدگی دقیق و سریع درخصوص پرونده‌هایی که در استان خوزستان در رابطه با فروریختن ساختمان متروپل تشکیل شده، صادر کرد؛ از جمله آنکه به معاون اول خود دستور داد موضوع را از این حیث که ممکن است رسیدگی به پرونده برخی افراد تحت تعقیب قرار گرفته در صلاحیت تهران باشد، بررسی کند.
غلامحسین محسنی اژه‌ای گفت: چنانچه امکان تفکیک وجود ندارد، براساس ضوابط تدبیری شود تا در یک مرجع با سرعت، نظم و هماهنگی توأمان باشد و بدین‌ترتیب امکان حاشیه‌سازی از آنهایی که قصد حاشیه‌سازی دارند، سلب شود. همچنین به معاون اول دستگاه قضایی دستور داد که نسبت به اتمام سریع‌تر تحقیقات درخصوص حادثه متروپل آبادان پیگیری‌های لازم را انجام دهد تا پرونده هر شخص به هر میزانی که در این حادثه مقصر بوده، طبق قانون تکمیل شود. رئیس عدلیه در ادامه از برخی رسانه‌های داخلی که بعضی دروغ‌ها و مطالب خلاف واقع را درخصوص حادثه متروپل منتشر می‌کنند، گلایه کرد و به آنها تذکر داد که مبادا در زمین دشمن بازی کنند. قاضی‌القضات در ادامه به انتشار خبر و تفاسیر خروج یکی از مسئولان سابق استان خوزستان از کشور و سپس بازگشت او به ایران اشاره کرد و گفت: هیچ‌کدام از مسئولان ذیربط و هیأت‌های اعزامی (دولت، مجلس و دادستانی کل کشور) نسبت به فرد مورد اشاره درخصوص فروریختن ساختمان آبادان گزارشی ارائه نداده‌اند و طبیعتاً اقدام قضایی نیز در مورد وی در این خصوص صورت نگرفته است.

ساخت ۲مدرسه به یاد ملیکا و میترا

در جریان ریزش ساختمان متروپل ۵دانش‌آموز نیز زیر آوار جان خود را از دست دادند؛ از جمله ملیکا و میترا صالحیان‌پور که انتشار خبر مربوط به آنها بازتاب گسترده‌ای داشت. شاید به همین علت بود که تصمیم گرفته شد ۲مدرسه به نام آنها ساخته شود. مسعود حمیدی‌نژاد، سرپرست اداره کل آموزش و پرورش خوزستان در این‌باره گفت: با همت خانواده صالحیان‌پور در مینوشهر خرمشهر ۲مدرسه به یاد این دو دانش‌آموز ساخته خواهد شد. او ضمن تسلیت درگذشت ۵دانش‌آموز خوزستانی در حادثه ریزش ساختمان متروپل، گفت: این مدارس قرار است با مشارکت خانواده دانش‌آموزان صالحیان‌پور در مینوشهر از توابع خرمشهر که محل زندگی این دانش‌آموزان بوده، ساخته شود.

بقایای متروپل تخریب می‌شود

پس از ریزش متروپل مسئولان زیادی برای بازدید از بقایای این حادثه به آبادان سفر کردند. یکی از این مسئولان سیدصولت مرتضوی، معاون اجرایی رئیس‌جمهور بود که پس از بازدید از ویرانه‌های متروپل از تخریب سازه باقیمانده متروپل پس از پایان آواربرداری خبر داد و گفت که مجوزهای تخریب متروپل صادر شده است. او گفت: آقای رئیس‌جمهور در بازدیدی که داشتند دستورات لازم را صادر کردند. فرماندهی عملیات آواربرداری و مدیریت کار با استاندار است که خوشبختانه با تدبیر پیش رفته و قرارگاه خاتم‌الانبیا به‌عنوان پیمانکار و دستگاه‌های اجرایی وارد عمل شدند. همچنین مجوزهای لازم برای تخریب پیش‌بینی شده و قطعا کار همچنان ادامه دارد؛ یعنی پس از آواربرداری، عزیزان برای تخریب بقیه سازه اقدام خواهند کرد و کار تعطیل شدنی نیست و همه دستگاه‌ها پای کار هستند.

دروازه‌بان ملی‌پوش هندبال و پدرش از قربانیان تیراندازی در شهریار بودند

درخواست قصاص برای قاتل ۵ نگهبان

جنایی

تحقیقات در پرونده قتل مسلحانه ۵نگهبان در شهریار نشان می‌دهد که ۲نفر از مقتولان، دروازه‌بان ملی‌پوش تیم هندبال و پدرش بودند که هدف تیراندازی قاتل مخوف قرار گرفته و جانشان را از دست دادند. اولیای دم این پدر و پسر و ۲نفر از مقتولان دیگر دیروز در دادسرای جنایی تهران حاضر شدند و برای قاتل مسلح درخواست قصاص کردند.
به گزارش همشهری، ساعت ۷صبح جمعه ششم خردادماه، مردی که مسلح به کلت کمری بود وارد زمین‌های متعلق به یک سازمان دولتی در روستای بالابان شهریار شد و به ۶نگهبانی که در داخل کانکس‌های نگهبانی حضور داشتند شلیک کرد. در جریان این تیراندازی ۵نگهبان بی‌گناه کشته شدند و یک نفر مجروح شد و این درحالی بود که مرد تیرانداز پیش از رسیدن پلیس از محل گریخته بود.
با شروع تحقیقات خیلی زود هویت عامل تیراندازی هولناک که پسری جوان بود شناسایی شد. او که به تهران گریخته بود یک روز بعد از این جنایت در مقابل کلانتری فلسطین به سمت مأموران پلیس تیراندازی و ۴مأمور را زخمی کرد اما پیش از اینکه موفق به فرار شود دستگیر شد.
متهم ۲۴ساله در بازجویی‌ها مدعی شد که علاوه بر این جنایات قصد داشته مدیران سازمان دولتی را که با آنها اختلاف داشته نیز به قتل برساند. او درباره انگیزه‌اش از این جنایت گفت: ۲۰سال قبل پدرم در شهریار زمینی خرید که عرصه آن متعلق به سازمان دولتی و اعیان برای ما بود. این سازمان اما چند سال قبل چند کانکس در چهارطرف زمین قرار داد و حتی نگهبانانی استخدام کرد که در کانکس‌ها زندگی می‌کردند. پدرم از سال‌ها پیش بر سر این زمین با سازمان دولتی اختلاف داشت. او چند سال قبل شروع کرد به کاشت درخت‌های میوه در زمین اما کارمندان سازمان دولتی درخت‌ها را قطع کردند. آنها حاضر نبودند سهم پدرم از زمین را بدهند و برای همین تصمیم گرفتم از آنها انتقام بگیرم. روز حادثه به سمت نگهبان‌ها شلیک کردم و قصد داشتم به سراغ مدیران سازمان هم بروم. اما بعد از فرار به پایتخت در خیابان طالقانی بودم که مأموران را دیدم و فکر کردم شناسایی شده‌ام و آنها قصد دستگیری مرا دارند. به همین دلیل به سمت آنها هم تیراندازی کردم.

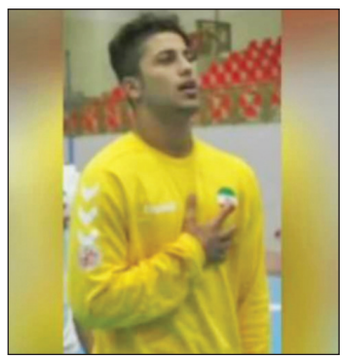

ملی‌پوش هندبال و پدرش

درخواست قصاص مجرم خطرناک

پرونده جنایت مسلحانه‌ای که جوان ۲۴ساله در شهریار مرتکب شده به‌دلیل حساسیت ویژه به دادسرای جنایی تهران فرستاده شد و پیش روی قاضی ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم قرار گرفت. مرد تیرانداز نیز چند روز قبل به دادسرا انتقال یافت و تحت بازجویی قرار گرفت. وی همان ادعای قبلی خود را تکرار کرده و مدعی بود که قصد داشته جان افراد دیگری را هم بگیرد. از سوی دیگر برای تکمیل تحقیقات در پرونده باید اظهارات اولیای دم (خانواده ۵نگهبانی که هدف تیراندازی قرار گرفتند) و شاکیان دیگر (ماموران پلیسی که زخمی شدند) در پرونده ثبت می‌شد. خانواده ۴نفر از مقتولان در دادسرا حضور یافته و درخواستشان را که قصاص قاتل مسلح بود ثبت کردند. ۲نفر از مقتولان پدر و پسر بودند و پیام و جلال قره باغستانی نام داشتند و ۲نفر دیگر علی کاکی متولد ۷۶ و عبدالعلی ملکی متولد۴۷ بودند.

مرگ باورنکردنی پدر و پسر

پیام قره باغستانی یکی از قربانیان بی‌گناه این پرونده دروازه‌بان ملی‌پوش تیم هندبال کشورمان بود که در این حادثه به همراه پدرش به قتل رسید.
برادر پیام می‌گوید: هنوز مرگ پدر و برادرم را باور نداریم. اتفاقی که افتاد واقعا شوکه‌کننده بود. پیام فقط ۲۲سالش بود و پدرم ۵۳سال سن داشت.
وی ادامه می‌دهد: ما اهل استان کرمانشاه هستیم و برادرم ورزشکار و دروازه‌بان تیم ملی هندبال بود. او بارها به همراه تیم ملی در مسابقات بین‌المللی شرکت کرده بود. اما این اواخر بیکار شده بود که من او را برای کار معرفی کردم. راستش خودم در زمین‌هایی که متعلق به سازمان دولتی بود کار می‌کردم اما بر اثر حادثه‌ای پاهایم شکست و خانه‌نشین شدم. به همین دلیل از ۴ماه قبل پدر و برادرم را معرفی کردم و آنها در زمین‌های مربوطه مشغول به‌کار شدند. ۲۴ساعت نگهبانی می‌دادند و ۲۴ساعت زمان استراحتشان بود.
وی می‌گوید: روز حادثه من در خانه بودم که یکی از اقوامم تلفن کرد و گفت پدر و برادرم تیر خورده‌اند. شوکه شدم و این خبر باورکردنی نبود. با وجود این امید داشتم زنده مانده‌اند. اما کمی بعد متوجه شدم در جریان این تیراندازی خطرناک هم پدرم را از دست داده‌ایم و هم برادرم را. به همین دلیل خواستار قصاص تیرانداز شده‌ایم و درخواستمان این است که او هرچه زودتر به مجازات جنایتی که مرتکب شده برسد.

پسر همسایه قاتل پسربچه ۱۰ ساله

۳روز پس از ناپدید شدن پسربچه‌ای ۱۰ ساله در منطقه گیلاوند شهرستان دماوند، اسرار قتل هولناک او با دستگیری پسر همسایه فاش شد.
به گزارش همشهری، هفته گذشته خانواده‌ای با مراجعه به پلیس خبر از ناپدید شدن پسربچه ۱۰ ساله‌شان را دادند. به گفته آنها، پسرشان برای بازی از مجتمع مسکونی‌شان در حوالی شهرک مسکن‌مهر گیلاوند خارج شده و دیگر به خانه بازنگشته بود. خانواده این کودک می‌گفتند که پسرشان دارای معلولیت ذهنی بود و پس از ناپدید شدن وی همه جا را به‌دنبالش گشته بودند اما اثری از او پیدا نکرده‌اند.
با اظهارات خانواده پسربچه گمشده، تحقیقات پلیس برای یافتن ردی از وی آغاز شد. مأموران با حضور در محل زندگی پسربچه مسیرهایی را که احتمال می‌رفت وی از آنجا عبور کرده باشد تجسس کردند و در نهایت با بررسی دوربین‌های مداربسته به سرنخ مهمی دست یافتند. فیلم‌های ضبط شده از این حکایت داشت که کمی دورتر از محل زندگی پسربچه، پسر جوانی دست او را گرفته و با خود می‌برد. همه شواهد از این حکایت داشت که پسربچه گمشده ربوده شده و تنها مظنون پرونده همان پسر جوانی بود که همراهش بود. دستور بازداشت این مظنون صادر شد و مأموران در جریان تحقیقات گسترده موفق شدند هویت او را شناسایی کنند. محل زندگی پسر جوان در مجتمع کناری محل زندگی پسربچه گمشده بود و در این شرایط، وی توسط مأموران دستگیر و به اداره آگاهی منتقل شد. متهم اگرچه در ابتدا تلاش می‌کرد خود را بی‌گناه معرفی کند و مدعی بود که از سرنوشت پسربچه خبر ندارد اما در نهایت اعترافات هولناکی به زبان آورد که نشان از قتل پسربچه گمشده داشت. او اعتراف کرد که روز حادثه با دیدن پسربچه به سمت او رفته و به وی خوراکی داده و او را گول زده است. پس از آن نیز دست او را گرفته و از محل سکونتش دور کرده و در نهایت به قتل رسانده است. متهم ۱۹ ساله مدعی بود که پس از ارتکاب این جنایت هولناک، جسد پسربچه را مخفیانه به حوالی شهرک جیلاردنو برده و در آنجا دفن کرده است. این در حالی بود که با پیدا شدن جسد پسربچه گمشده، آثار خفگی روی گردن او مشهود بود و با اعترافات جوان جنایتکار وی بازداشت شد و به گفته سردار کیومرث عزیزی، فرمانده انتظامی شرق استان تهران، تحقیقات برای مشخص شدن علت اصلی جنایت و انگیزه متهم از قتل پسربچه خردسال ادامه دارد.

عامل نخستین قتل سال ۹۷ قصاص شد

عامل نخستین جنایت سال ۹۷ در پایتخت مردی بود که تنها چند ساعت پس از تحویل سال مقابل چشمان فرزندانش، جان همسرش را گرفت. او چند روز پیش با گذشت ۴سال از جنایت به دار مجازات آویخته شد.
به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۲۲:۵۶ بیست و نهم اسفند رخ داد و در بررسی‌ها مشخص شد که شب حادثه قاتل پس از ورود به خانه پدری همسرش، با همسر و مادرزنش به‌دلیل اختلافات خانوادگی درگیر شده و با چاقو به سمت آنها حمله کرده بود. در این حادثه زن جوان جانش را از دست داد و مادرش مجروح شد که برای درمان به بیمارستان انتقال یافت. پس از این حادثه متهم فرار کرد اما شب تا صبح در خیابان‌ها پرسه می‌زد و در نهایت به کلانتری ۱۰۶ نامجو رفت و خود را معرفی کرد. وی در بازجویی‌ها به قتل همسر و زخمی کردن مادرش اعتراف کرد و درخصوص جزئیات حادثه گفت: حدود ۱۰ ماه پیش به‌دلیل بیکاری و مشکلات خانوادگی با همسرم اختلاف پیدا کردم. او به همراه ۳فرزندمان خانه را ترک کرد و به خانه پدری‌اش رفت. در این مدت بارها از او خواستم تا به خانه برگردد اما قبول نمی‌کرد تا اینکه شب عید به‌دنبال او که در خانه پدرش بود رفتم و او را بیرون بردم و برایش خرید کردم. قرار شد سال تحویل همراه بچه‌ها به خانه برگردد و عید همگی به سفر برویم اما او سرقولش نماند. وی ادامه داد: سال تحویل به خانه نیامد اما با این حال وسایل را جمع کردم و امیدوار بودم با هم به سفر برویم. بعد از سال تحویل وقتی به خانه مادرزنم رفتم، همسرم گفت: دیگر حاضر نیست با من زندگی کند. این حرف‌ها را که شنیدم عصبانی شدم، برای همین به خانه برگشتم و یک چاقو برداشتم. دوباره به خانه مادر زنم رفتم و با لگد در ورودی را باز کردم و داخل خانه شدم.
وی ادامه داد: همسرم را با خود کشیدم تا از خانه بیرون ببرم اما مادر زنم مانع شد که در همین حین چاقو به او اصابت کرد و زخمی شد. با وجود این همسرم را با خود می‌کشیدم، پسر ۱۶ و دختر ۶ساله ام هم حضور داشتند، پسرم شوکه شده بود و فقط نگاه می‌کرد اما دخترم به پایم افتاده بود و با گریه از من می‌خواست که دعوا را تمام کنم اما من دیوانه شده بودم. درحالی که کنترلم را از دست داده بودم، چند ضربه هم به همسرم زدم و بعد فرار کردم.
متهم به قتل پس از بازسازی صحنه قتل به زندان انتقال یافت و مدتی بعد در شعبه دوم دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفت. در جلسه محاکمه مادر و ۲نفر از فرزندان مقتول، خواستار قصاص مرد همسرکش شدند اما یکی از فرزندان مقتول صغیر بود و قیم او پدربزرگش (پدرقاتل) بود که وی از قصاص پسرش صرف‌نظر کرد و او را بخشید. در این شرایط حکم قصاص مرد همسرکش صادر شد و قضات دیوانعالی کشور مهر تأیید بر رأی صادر شده زدند. پس از قطعی شدن حکم، پرونده به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده و شمارش معکوس برای قصاص قاتل شروع شد. اما مادر مقتول فوت شد و فرزندان وی همچنان خواستار قصاص قاتل بودند؛ چرا که مادر مقتول زمانی که زنده بود منتظر روز اجرای حکم بوده است. به این ترتیب ابتدا تفاضل دیه در این پرونده پرداخت شد و بعد دیه به یکی از فرزندان مقتول که قیم او قاتل را بخشیده بود، تعلق گرفت. در این شرایط پرونده آماده اجرا شد و مرد اعدامی چند روز قبل در زندان رجایی شهر پای چوبه دار رفت و قصاص شد.

کوتاه از حادثه

بخشش قاتل ۶سال پس از جنایت

پسر جوانی که ۶سال قبل در جریان شوخی عجیب با فلفل‌فروش‌ها مرتکب جنایت شده بود توانست با رضایت اولیای دم از قصاص نجات پیدا کند.
به گزارش همشهری، این حادثه اواسط سال ۹۵ در یکی از روستاهای اطراف بندرعباس اتفاق افتاد. آن روز پسر جوان به نام سعید که ساکن بندرعباس بودند همراه برادرش برای تفریح به یکی از روستاهای اطراف رفته بودند. در جاده چند نفر از روستاییان مشغول فروختن فلفل و دیگر محصولات کشاورزی بودند. در این بین برادر سعید که رانندگی می‌کرد در یک لحظه تصمیم گرفت با روستاییان شوخی کند. او فرمان خودرو را به سمت بساط یکی از فلفل فروش‌ها کج کرد که در اثر برخورد سپر خودرو با کیسه، فلفل‌ها روی زمین ریختند. روستاییان که از این شوخی ناراحت شده بودند به تعقیب سعید و برادرش پرداختند و کمی جلوتر توانستند سد راهشان شوند و خودروی‌شان را متوقف کنند. چند نفر از روستاییان برادر سعید را از خودرو پیاده کردند و با او درگیر شدند. در این بین سعید که دید برادرش در حال کتک خوردن است برای دفاع از او یک چاقو از داخل خودرو برداشت و با آن ضربه‌ای به مرد سالخورده‌ای که با برادرش درگیر شده بود، زد. هرچند او قصد قتل نداشت، اما همین ضربه کافی بود تا این مرد جان خود را از دست دهد و سعید به اتهام قتل عمد بازداشت شود. مقتول ۲ همسر و چندین فرزند داشت که در جلسه محاکمه فرزندان مقتول برای قاتل درخواست قصاص کردند. قضات دادگاه سعید را به اتهام قتل عمد به قصاص محکوم کردند و مدتی بعد این رای در دیوانعالی کشور تایید شد. با تأیید حکم، شمارش معکوس برای قصاص قاتل آغاز شد. این در حالی بود که مسئولان واحد صلح و سازش زندان بندرعباس و شورای حل اختلاف از یک سو و خانواده سعید از سوی دیگر به‌دنبال جلب رضایت اولیای دم بودند. تعداد زیاد اولیای دم کار را برای تیم صلح و سازش دشوار می‌کرد با وجود این آنها بعد از ماه‌ها تلاش موفق شدند رضایت فرزندان همسر اول مقتول را جلب کنند. آنها در ازای دریافت یک میلیارد تومان قاتل را بخشیدند؛ با این حال فرزندان دومین همسر مقتول همچنان خواسته‌شان قصاص بود. چند روز قبل در شرایطی که همه‌چیز برای اجرای حکم قصاص مهیا بود بار دیگر تلاش‌ها برای جلب رضایت اولیای دم از سر گرفته شد. هرچند آنها می‌گفتند حکم باید اجرا شود اما وقتی رایزنی‌ها ادامه پیدا کرد در نهایت حاضر شدند در ازای دریافت مبلغ ۱،۵میلیارد تومان قاتل را ببخشند. در این شرایط بود که سعید پس از گذشت ۶سال از چوبه دار نجات یافت و قرار است به‌زودی به لحاظ جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری محاکمه شود.

ادعای عجیب دختر جوان در دادسرای جنایی تهران

من پدرم را کشته‌ام

«۲سال قبل پدرم را به قتل رساندم و جسد سوخته او را در بیابان‌های اطراف شهر زنجان دفن کردم.» این ادعای دختری جوان است که می‌گوید به‌خاطر عذاب وجدان تصمیم گرفته اسرار قتل پدرش را فاش کند.
به گزارش همشهری، روز شنبه چهاردهم خردادماه دختری جوان به اداره پلیس تهران رفت و مدعی شد که ۲سال قبل پدرش را در شهر زنجان به قتل رسانده است. وی در توضیح ماجرا گفت: من ساکن شهر زنجان هستم و تا دوران جوانی در آنجا به همراه پدر و مادرم زندگی می‌کردم. پدرم اما معتاد به موادمخدر بود و مادرم همیشه به‌خاطر این موضوع عذاب می‌کشید و رنج می‌برد. مادرم خیلی هوای مرا داشت و حمایتم می‌کرد تا اینکه چندسال قبل فوت شد. از آن پس زندگی من نابود شد و تا امروز، روزها و شب‌های سختی را سپری کردم.
وی ادامه داد: به‌دلیل اعتیاد پدرم، افراد خلافکار بسیاری به خانه ما رفت‌وآمد می‌کردند که نیت شومی داشتند. پدرم نه‌تنها از من حمایت نمی‌کرد، بلکه با اجبار مرا پای بساط نشاند و معتادم کرد؛ آنجا بود که جای خالی مادرم را هر لحظه بیشتر از قبل احساس می‌کردم و کینه عجیبی نسبت به پدرم به دلم نشست. روزبه‌روز تنفرم نسبت به او بیشتر می‌شد، تا اینکه تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم.
وی گفت: حدود ۲سال قبل بود که وقتی در خانه با پدرم تنها بودم با ضربه جسم سخت به سرش و ضربات چاقو او را به قتل رساندم. بعد جسدش را لای پتو پیچیدم و با ماشین به بیابان‌های اطراف زنجان بردم و جسد را به آتش کشیده و همانجا رها کردم. بعد هم به همه بستگانم گفتم پدرم به همراه دوستانش به سفر رفته و ناپدید شده است. پس از قتل به کمپ رفتم و اعتیادم را ترک کردم. سپس برای ادامه زندگی به تهران آمدم اما در این مدت عذاب وجدان داشتم و مدام کابوس جنایت می‌دیدم. به همین دلیل تصمیم گرفتم به این کابوس‌ها و عذاب وجدانم پایان بدهم و خودم را معرفی کنم. پس از ادعای هولناک دختر جوان، وی بازداشت و با دستور بازپرس محمدحسین زارعی، قاضی جنایی تهران، تحقیقات در این پرونده آغاز شد. در ادامه برادر ناتنی دختر جوان شناسایی شد و پس از حضور در دادسرا گفت که خواهرش معتاد به مخدر شیشه است و دچار توهمات عجیب می‌شود. وی گفت: پس از فوت مادرم، پدرم با زنی ازدواج کرد که حاصل آن ازدواج، تولد خواهر ناتنی‌ام بود اما مادر او هم در سال ۹۶ فوت شد و بعد پدرم برای سومین‌بار ازدواج کرد.
او ادامه داد: من شنیده بودم که پدرم در معتادشدن خواهر ناتنی‌ام مقصر است و خبر داشتم که خواهر ناتنی‌ام از او کینه به دل دارد اما در مورد اینکه ادعا کرده پدرم را ۲سال قبل کشته، فکر می‌کنم که او تحت‌تأثیر مصرف مواد شیشه چنین ادعای عجیبی را مطرح کرده است. وی توضیح داد: پدرم اسفند پارسال به همراه همسرش به خانه من آمدند. ارتباط ما خیلی صمیمی نیست و زیاد او و همسرش را نمی‌بینم اما وقتی شنیدم خواهر ناتنی‌ام مدعی شده پدرمان را کشته، تعجب کردم. شک ندارم که او قاتل نیست و هیچ قتلی رخ نداده و همه اینها توهمات خواهرم است. براساس این گزارش، در حالی که دختر جوان برای بررسی سلامت روحی و روانی‌اش در اختیار متخصصان پزشکی‌قانونی قرار گرفته، بازپرس زارعی پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت برای ادامه روند تحقیقات به دادسرای جنایی شهر زنجان فرستاد.